اَلسِّنجابُ الطّائِـرُ:
سنجاب پرنده :

لَهُ غِشاءٌ خاصٌّ كَـالْمِظَلَّة يَفتَحُهُ حينَ يَقْفِزُ مِن شَجَرَةٍ إلىٰ شَجَرَةٍ أُخْرَى،
پردهٔ مخصوصی مانند چتر دارد که بازی کند آن را هنگامی که می پرداز درختی به درختی دیگر .
وَ يَستَطيعُ أَن يَطيرَ أَكثَـرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمسينَ قَدَماً في قَـفـزَةٍ واحِدَةٍ.
و می تواند که پرواز کند بیشتر از صد و پنجاه گام در یک پرش .



حَيَّةُ الصَّحراءِ:
مار صحرا :

في مُنتَصَفِ النَّهارِ وَ عِندَما تَحْرُقُ الرِّمالُ أَقْدامَ مَن يَسيرُ عَلَيها مِن شِدَّةِ الْحَرِّ، تَضَعُ
در نیمهٔ روز و هنگامی که می سوزانند شن ها پاهای کسی را که حرکت می کند روی آن از شدت گرما ، قرار می دهد
هٰذِهِ الْحَيَّةُ ذَنَبَـها فِـي الرَّملِ، ثُمَّ تَقِفُ كَالْعَصا. فَـإذا وَقَفَ طَيرٌ عَلَيها تَصيدُهُ.
این مار دُمش را در شن ، سپس می ایستد مانند عصا . پس هرگاه بایستد پرنده ای روی آن شکارش می کند .

